

پژوهش نامه مدیریت تحول، سال چهارم، شماره ۷، بهار و تابستان ۱۳۹۱

تبیین نقش حمایت‌های دولتی مؤثر بر رشد و بقای کارآفرینان در واحدهای تولیدی کوچک در ایران*

یعقوب مهارتی**

دکترای مدیریت کارآفرینی، دانشگاه فردوسی مشهد

شمس‌الدین ناظمی

دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

نرخ شکست واحدهای کوچک تولیدی، همواره به عنوان یک معضل بزرگ، نظر سیاستگذاران، تصمیم گیرندگان و مدیران بخش های اقتصاد هر کشور را به خود جلب کرده است. بسیاری از محققین حوزه کارآفرینی تاکنون مطالعات متعددی در خصوص کارآفرینان انجام داده اند و عوامل بسیاری را از جمله کارکردهای سازمانی آنان و حتی ویژگی‌های شخصیتی را در موفقیت آنان دخیل دانسته اند. تحقیق حاضر با رویکردی متفاوت به بررسی اثر عوامل محیطی (حمایت‌های دولتی) بر موفقیت کارآفرینان، به عنوان افراد تحول گرا در اقتصاد و صنعت، انجام شده است. برای رسیدن به این هدف ازطرح تحقیق کمی و پرسش نامه استفاده گردیده است. پاسخگویان به سوالات تحقیق را مدیران صنایع کوچک کشور از استان‌های مختلف تشکیل داده اند که از فهرست در اختیار گذاشته شده توسط شرکت شهرک‌های صنعتی و صنایع کوچک ایران انتخاب گردیدند. براساس طرح نمونه گیری تصادفی ۶۰۰ کارآفرین انتخاب و پرسش نامه تحقیق در اختیار آن‌ها قرار گرفت. از مجموع پرسش نامه‌های برگشت داده شده، تعداد ۲۴۰ نسخه قابل استفاده بوده و برای تحلیل نهایی به کار گرفته شد. نتایج نشان داد رابطه مثبت، معنی دار و خطی بین حمایت‌های دولت و موفقیت کارآفرینان از هر دو بعد رشد و پایداری مؤسسه وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: کارآفرینی، عوامل محیطی، حمایت‌های دولتی، رشد، بقا، واحدهای تولیدی کوچک.

* این تحقیق با حمایت سازمان صنایع کوچک استان خراسان رضوی انجام گرفته است.

maharati2001@yahoo.com

** نویسنده مسئول:

The impact of environmental factors on growth and survival of small manufacturing firms of entrepreneurs in Iran*

Yaghoob Maharati

PhD of Management entrepreneurship,
Ferdowsi University of Mashhad

Shamsodin Nazemi

Associate Professor of Ferdowsi University
of Mashhad

Abstract

The failure rate of small manufacturing firms in many countries is the main concern of policy makers, decision makers, and economists. Many scholars in this context undertook numerous studies related to success of entrepreneurs, taking into account important factors such as organizational factors and personal qualities on their success. However, the present study attempts to investigate role of environmental factors (government support system) on success of entrepreneurs in all regions of Iran. To fulfill the aim of the research, a quantitative research design with self-administered questionnaire was employed. The respondents were selected from the directory of small industries provided by Iran Small Industries & Industrial Parks Organization (ISIPO). Based on the probability sampling design, 600 entrepreneurs were selected across the country to participate in the study. The mail survey yielded 240 completed responses, which were included in the final analysis. The results of the analysis revealed that the relationship between government support system and entrepreneurs' success in both term of growth and survival was found to be significant, positive, and linear.

Key words: Entrepreneurship, Environmental factors, Government support system, Survival, Growth, Small manufacturing firms

مقدمه

در ایران برای اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی برای شتاب بخشیدن به رشد اقتصاد ملی، ارتقای کارآیی بنگاه‌های اقتصادی و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فناوری، افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی، افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی، کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی، افزایش سطح عمومی اشتغال، تشویق به سرمایه‌گذاری، بهبود درآمد

* This study is supported by Iranian Small Industries & Industrial Parks Organization (ISIPO), Khorasan Razavi

خانوارها، توسعه سرمایه انسانی دانش بنیان و متخصص، راهبردها، رویکردها و راهکارهای مناسبی لازم است. یکی از این رویکردها، توسعه کارآفرینی است که از طریق آن می توان منابع انسانی توانمند با شایستگی های کارآفرینانه و درخور چشم انداز بیست ساله کشور و برنامه چهارم تربیت کرد (Zali, 2009). نکته قابل توجه در این راستا این است که کارآفرینان که اغلب، تأسیس کنندگان واحدهای کوچک هستند، به دلایل متعددی شکست می خورند و حمایت های دولت در این راستا از آن ها- به ویژه در بدو تأسیس- بسیار حائز اهمیت خواهد بود.

آن چه می توان به جرأت بیان کرد وجود رابطه اثبات شده بین کارآفرینی و رشد اقتصادی است. فایول (۲۰۰۷) و هم چنین رینولد، هی، و کمپ (۱۹۹۹) تأثیر و معنی دار بودن کارآفرینی را بر رشد و توسعه اقتصادی در تمامی کشورها و در قرن حاضر امری اثبات شده می دانند؛ به طوری که ایرووفیو (۲۰۰۲) با تأیید موضوع یاد شده، رشد اقتصاد آمریکا را متکی بر کارآفرینی و نوآوری خوانده و بر لزوم توجه به آن تأکید می نماید. به تازگی تلاش های متعددی بین اقتصاددانان برای شناخت ارتباط بین کارآفرینی و رشد اقتصادی (Kreft & Sobel, 2005) و به طور مشابهی رابطه علی بین این دو در حوزه تئوری و عمل (تجربی) شکل گرفته است (Benzing, Chu, & Kara, 2009; Poh, Yuen, & Erkkö, 2005). هندرسون (۲۰۰۲) نیز نقش معنی داری را برای کارآفرینان در فعالیتهای اقتصادی و ایجاد شغل قایل است.

علاوه بر اهمیت کارآفرینی، همان طور که در بالا اشاره گردید، جهان در دو دهه گذشته شاهد پیشرفت چشم گیری در رشد صنایع کوچک بوده است (Carree & Thurik, 1998). در کنار صنایع بزرگ، صنایع کوچک نقش عمده ای در تقویت رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال داشته اند و تاکنون توانسته اند در ایجاد شغل و رشد اقتصادی کشورها نقش مهم و اساسی ایفا نمایند. با توجه به تعداد بسیار زیاد صنایع کوچک در ایران که حدود ۹۹/۹٪ کل صنایع ایران را تشکیل می دهند (Dehdashti & Naderifar, 2007)، معنی دار بودن تحقیق در خصوص عوامل موفقیت صاحبان آنها بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا تعداد بسیار زیاد این گروه از صنایع نشان دهنده اهمیت آنها در توسعه اقتصاد ایران است. با توجه به این که در ادبیات کارآفرینی ایجاد کنندگان واحدهای کوچک به عنوان کارآفرین شناخته می شوند، از این رو در این تحقیق صاحبان صنایع کوچک ایران به عنوان جامعه آماری انتخاب گردیده اند.

بیان مسأله

طبق نظر ملاحسینی و مصطفوی (۲۰۰۹) شناسایی کارآفرینان در سطح ملی کمک شایانی در توسعه صنایع کوچک در ایران ایفا خواهد کرد، اما این به تنهایی کافی نیست و دراصل توجه به عوامل موفقیت آنان و این

که چه عواملی در شکست آنان مؤثر می باشد، می تواند اصلی ضروری در این راستا باشد. می توان نتیجه گرفت که توجه به عوامل موفقیت کارآفرینان باعث افزایش تعداد کارآفرینان موفق در کشور خواهد شد، و به برنامه ریزان صنعتی کشور کمک شایانی خواهد کرد تا تصمیمات درستی در این ارتباط بگیرند که در بلند مدت باعث ثبات و هم چنین گسترش صنایع کوچک خواهد شد. براساس آمار سال ۱۳۸۸ (منتشر شده توسط وزارت صنایع و معادن) ۸۹٪ مجوزهای صادر شده برای شرکت‌ها متعلق به صنایع کوچک بوده است؛ در حالی که این رقم برای صنایع بزرگ فقط ۱۰/۲ بوده است. این امر مباحث مطرح شده در خصوص ضرورت توجه به عوامل موفقیت کارآفرینان و تداوم تحقیق بیشتر در این زمینه را مورد تأکید قرار می دهد. علی رغم آن که اهمیت و نقش صنایع کوچک (Baldwin & Picot, 1995; Birch, 1987) و کارآفرینان ایجاد کننده این واحدها در ادبیات نظری این رشته مورد توجه اندیشمندان و محققین داخلی و خارجی بوده است، اما نرخ شکست آنها نیز مسأله مهمی است که باید به آن پرداخته شود. ناسی (۱۹۹۳) معتقد است همان‌طور که واحدهای کوچک تولیدی نقش مهم و اساسی در توسعه اقتصادی کشورها ایفا می کنند، در صورت شکست می توانند نقش منفی در این اقتصادها داشته باشند. بنابراین، برنامه ریزی در جهت شناسایی عوامل موفقیت آن‌ها نقش حیاتی در اقتصاد کشور ایفا خواهد کرد. به زعم هفده تن (۲۰۱۰) وجود تعداد زیادی از صنایع کوچک در ایران بدین معنا نیست که همه آنها مشغول فعالیت هستند، بلکه بسیاری از آنها از مزیت‌های ایجاد این واحدها از جمله وام‌های دریافتی استفاده می کنند و هرگز نسبت به تأسیس واحد خود اقدام نمی کنند. عامل دیگری که نیازمند بررسی بیشتر است، حمایت‌های دولتی است که با توجه به پیشینه آن در کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زالی و رضوی (۲۰۰۹) در تحقیق خود، که در سومین جشنواره کارآفرینان برتر در ایران انجام گرفت نشان دادند حمایت‌های مالی از واحدهای تازه تأسیس از سوی دولت انجام نمی‌پذیرد. گزارشی که در سال ۲۰۰۹ توسط دیده بان جهانی منتشر شده است ضمن تأیید این نظریه رتبه ایران را در حمایت از کارآفرینان (رتبه ۴۲ در بین ۴۵ کشور) نشان از ضعف بودن حمایت‌های مالی دولت از کارآفرینان می داند. شواهد ارایه شده نشان از مشکلات عدیده‌ای است که کارآفرینان در این مورد با آن مواجه بوده و حتی قوانین و مقررات دولتی را نیز در خیلی مواقع مانع از فعالیت خود می دانند (Zali & Razavi, 2009). هدف اصلی و اساسی در تحقیق حاضر، فهم این مطلب است که در کنار عوامل شخصیتی و سازمانی که می توانند در موفقیت کارآفرینان دخیل باشند، نقش عوامل محیطی در فضای کارآفرینی کشور چیست و چگونه می توانند بر موفقیت کارآفرینان مؤثر واقع شود؟ با توجه به این که عده

کثیری در کشور در صنایع کوچک مشغول به کار هستند که بیش از ۴۳٪ اشتغال کشور را تشکیل داده است (Faraji, 2009)، تحقیقات بیشتر در این عرصه، جایگاه و اهمیت فراوانی دارد.

چارچوب نظری تحقیق

فیت (۲۰۰۱) و زهرا (۲۰۰۷) اعتقاد دارند کارآفرینی از سایر رشته ها و زمینه های علمی در مباحث نظری بهره گرفته است که این تئوری ها نیز اغلب ناکافی، متضاد با هم، و غیر کامل هستند. ادوارد (۲۰۰۸) معتقد است اغلب تئوری ها در زمینه کارآفرینی متعلق به انگیزش و مدیریت است تا کارآفرینی. در عین حال، کانینگهام و لیسچرون (۱۹۹۱) معتقدند هر نوع فعالیت تحقیقاتی در زمینه کارآفرینی می تواند در شش مکتب فکری طبقه بندی گردد که هر کدام از آنها شرایط و کاربردهای خاص خود را دارند. ولی تئوری ارائه شده توسط کانینگهام و لیسچرون معنی دار بودن عوامل محیطی را در موفقیت کارآفرینان نادیده گرفته و بدان توجه ننموده است. محققین در این مقاله معتقدند علاوه بر عوامل شخصیتی و سازمانی که اکثر نویسندگان بدان تأکید دارند عوامل دیگری نیز وجود دارند که می توانند در موفقیت کارآفرینان نقش داشته باشند. باکس، واتس و هیسریچ (۱۹۹۴) معتقدند چالش عمده پیش روی محققین کارآفرینی این است که عوامل شخصیتی به تنهایی نمی تواند تعیین کننده موفقیت کارآفرینان باشد. در موافقت با این نظر گاس (۱۹۸۲)، پرسنل (۱۹۹۹) (به نقل از سان، 2004) می گویند که بررسی عوامل محیطی در کنار سایر عوامل مورد بحث نتایج معنی داری در پیش بینی موفقیت واحدهای کوچک ایفا خواهد نمود.

در کنار این ها، واندروورف و براش (۱۹۸۹) پیشنهاد می کنند که علی رغم پیچیدگی های موجود و وجود چشم انداز های متعدد کارآفرینی، محققین باید در کنار عوامل شخصیتی و سازمانی عوامل محیطی را نیز اضافه نمایند تا تحقیقات در این خصوص نتیجه بخش باشد. عوامل محیطی مخصوصاً نقش بسیار معنی داری در پیش بینی موفقیت یک شرکت دارد (Lumpkin & Dess, 1996). مطالب زیادی در خصوص رابطه بین کارآفرینی و عوامل محیطی در ادبیات موضوع تحقیق وجود دارد (Benzing, et al., 2009; Mansor & Mat, 2010). ایروفیف (۲۰۰۲) معتقد است در جایی که بحث کارآفرینی مطرح است شرایط محیطی در آن نقش اساسی خواهد داشت.

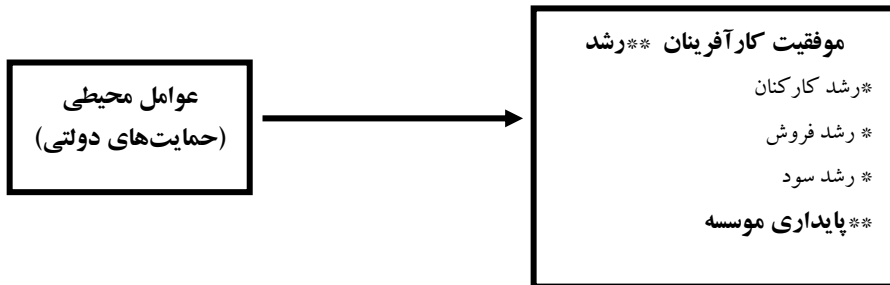
با وجود آن ارائه تعریفی از موفقیت کارآفرینان و یا صاحبان صنایع کوچک اهمیت ویژه ای دارد. اگر چه در مورد کارآفرینی مطالعات زیادی صورت گرفته است، اما در زمینه موفقیت آنان در کسب و کار تحقیقات زیادی موجود نیست. بعضی از محققین سودآوری (Devine, 2002; Sirinivasan, Woo, & Cooper, 1994)،

برخی دیگر پایداری مؤسسه (Jenssen, 1986; Ibrahim, 1986; Devine, 2002; Duchesneau & Gartner, 1990; Reid, 1991; Koenig, 2002) و برخی دیگر رشد در تعداد کارکنان (Chandler & Hanks, 1994; Covin & Covin, 1990) و هم چنین عده‌ای دیگر رشد در فروش (Smith, Bracker, & Miner, 1987) را به عنوان عوامل موفقیت کارآفرینان تلقی می‌کنند. از سوی دیگر، برخی از محققین مانند جنسن و کوینگ (۲۰۰۲) تأسیس یک واحد بازرگانی و کسب سود سالیانه مشخص را به عنوان موفقیت قلمداد می‌نمایند. آلدریچ و مارتینز (۲۰۰۱) در کنار فرید و تاور (۲۰۰۹) بر این باورند که اندازه‌گیری موفقیت کارآفرینان به دلیل پیچیدگی محیطی که در آن فعالیت می‌کنند، بایستی چند بعدی و همه جانبه باشد. به همین دلیل در تحقیق حاضر، رشد فروش، رشد کارکنان و رشد سود در کنار پایداری مؤسسه به عنوان عوامل سنجش موفقیت کارآفرینان لحاظ شده است.

با توجه به مبانی نظری و پیشینه تحقیق، فرضیه‌های زیر در تحقیق حاضر آزمون خواهد شد:

فرضیه شماره ۱: رابطه مثبت و معنی داری بین حمایت‌های دولتی و موفقیت کارآفرینان از نظر رشد مؤسسه در صنایع کوچک ایران وجود دارد.

فرضیه شماره ۲: رابطه مثبت و معنی داری بین حمایت‌های دولتی و موفقیت کارآفرینان از نظر پایداری مؤسسه در صنایع کوچک ایران وجود دارد.



شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق

پیشینه تحقیق

در تحقیقی آهیاراه (۱۹۹۳) در یک طبقه بندی یکی از عوامل موفقیت کارآفرینان را مربوط به حمایت‌های دولتی و سوبسید اهدایی توسط دولت می‌داند. در تحقیق دیگری لیم (۲۰۰۷) یکی از عوامل رشد مؤسسات کوچک را حمایت‌های دولتی می‌داند. ایروفیو (۲۰۰۲) یکی دیگر از محققینی است که به بررسی نقش عوامل

محیطی در موفقیت کارآفرینان پرداخته و عوامل محیطی را به عنوان متغیر تعدیل گر در نظر گرفته است. در تحقیق دیگری بارون (۲۰۰۴) صرفاً به بحث ویژگی های شخصیتی پرداخته و آنها را تأثیرگذار در موفقیت کارآفرینان می داند. کار ارزشمند بنزینگ و همکاران (۲۰۰۹) ۱۷ عامل را به عنوان عوامل موفقیت کارآفرینان شناسایی کرده و از ساختار مالیاتی کشور ترکیه به عنوان مشکل اصلی پیش پای آنان نام می برند. ادوارد در سال ۲۰۰۸ در رساله خود، که در مورد کارآفرینی و زنان آفریقایی-آمریکایی بوده است، سطح تحصیلات، ویژگی های شخصیتی و هم چنین منابع مالی را از عوامل موفقیت معرفی می کند. بر اساس اطلاعات محققین، قبل از ادوارد چهار محقق دیگر نیز در این عرصه وارد شده و در خصوص کارآفرینان آفریقایی به تحقیق پرداخته اند که از آن جمله می توان به آهیاره (۱۹۹۳) که در کار خود دسترسی به بازار، پیدا کردن مشتری، اخذ منابع مالی را به عنوان عوامل تأثیرگذار در موفقیت کارآفرینان می داند، اشاره کرد.

در مطالعه دیگری در این خصوص نیکولس (۱۹۹۵) عوامل موفقیت کارآفرینان آفریقایی-آمریکایی را داشتن سرمایه کافی و هم چنین دارا بودن طرح تجاری موفق می داند. چهار سال بعد گراولی (۱۹۹۹) در مطالعه خود مسایل مالی را دخیل در این امر یاد نموده و در این راستا ننگه داشتن سوابق مالی، سرمایه، تجربه مدیریتی، مهارت های بازاریابی و کنترل های مالی را در موفقیت کارآفرینان مؤثر قلمداد می کند و در نهایت اکمه (۲۰۰۰) در رساله خود دسترسی به سرمایه کافی و سایر مهارت های تجاری را در توفیق کارآفرینان سهم می-داند.

در ایران نیز کارهایی در خصوص کار آفرینی انجام شده، ولی در مورد موفقیت آنان کار زیادی صورت نگرفته است. در این خصوص می توان به مطالعه اعرابی (۲۰۰۳) اشاره کرد که رهبری سازمان و مدیریت کردن منابع را عامل موفقیت قلمداد کرده است. هم چنین زاهدی (۲۰۰۴) کمبود مهارت های مدیریتی، تجربه و شناخت محیط را از عوامل شکست کارآفرینان می شمرد. در مطالعه دیگری کاظمی راد و پاپ زن (۲۰۱۱) میزان موفقیت کارآفرینان روستایی را مورد بررسی قرار دادند، و در سال ۲۰۰۹ نیز رازقندی و درانی عوامل فردی و محیطی مؤثر بر موفقیت کارآفرینان برتر استان تهران را جهت ارایه الگوی آموزشی مناسب مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. در تحقیق دیگری ملاحسینی و مصطفوی (۲۰۰۹) در حوزه صنعت عوامل تأثیرگذار بر موفقیت کارآفرینان را مورد بررسی قرار دادند.

روش تحقیق

این تحقیق از نظر هدف کاربردی، و از نظر ماهیت و روش با توجه به این که به دنبال یافتن روابط بین پدیده ها بوده و هدف آن شناخت عقاید و نگرش های کارآفرینان است، توصیفی-پیمایشی می باشد.

جامعه و نمونه آماری

در تحقیق حاضر، جامعه آماری، تمام واحد‌های صنعتی در گروه‌های مختلف با تعداد کارکنان کمتر از ۵۰ نفر و مستقر در شهرک‌های صنعتی تمامی استان‌های کشور را شامل می‌شود، که بر اساس آمار اخذ شده از سازمان صنایع کوچک ایران تعداد آن‌ها ۱۸۴۸۵ واحد است.

به دلیل محدودیت زمان و بودجه و هم چنین نبودن نیروی انسانی کافی، برای محققین امکان پژوهش در کل جامعه آماری وجود نداشت، اگر چه سکاران (۲۰۰۳) معتقد است نمونه‌گیری در خیلی از موارد نتایج بهتر و قابل اعتمادتری به دست می‌دهد. بنابراین، با توجه به این که محققین به دنبال این بودند که تمامی اجزای جامعه مورد نظر از شانس مساوی برخوردار باشند و نتایج حاصله قابل تعمیم به کل جامعه باشد و از سوی دیگر فهرست دقیق صنایع کوچک مستقر در شهرک‌های صنعتی و ثبت نام شده در سایت شرکت شهرک‌های صنعتی و صنایع کوچک تهران توسط این شرکت و در قالب فایل اکسل در اختیار محققین قرار گرفت، لذا از شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده، که بالاترین درجه تعمیم‌پذیری را دارد، استفاده گردید. بر طبق آن چه که در آمار عرف تلقی می‌گردد تعداد نمونه بین ۳۰ تا ۵۰۰ مورد، قابل قبول می‌باشد. از آنجائی که شیوه تحلیل داده‌ها در این تحقیق رگرسیون می‌باشد این شیوه تحلیل حداقل ۵۰ و ترجیحاً ۱۰۰ نمونه لازم دارد (Hair, Black, Babin, Anderson, & Tatham, 2006). تاباچنیک و فیدل (۲۰۰۷) معتقدند برای به دست آوردن نمونه آماری می‌توان از فرمول $N > 50 + 8M$ استفاده کرد که در آن M تعداد متغیرهای مستقل می‌باشد، که در این صورت برای تحقیق حاضر تعداد ۷۴ نمونه کافی خواهد بود. از سوی دیگر بر اساس مطالعات کرجسیه و مورگان (۱۹۷۰)، که راهنمای مناسبی را برای تعداد نمونه عنوان نموده‌اند و بر اساس جدول رایج شده توسط آنان تعداد نمونه برای تحقیق حاضر تعداد ۳۷۷ نمونه را نشان می‌دهد که به نظر تعداد مناسب و معقولی می‌باشد، اما براساس مشکلاتی که معمولاً برای پرسش‌نامه‌های پستی وجود دارد، که سوندرس (۲۰۰۹) نرخ بازگشت پرسش‌نامه‌های پستی را کمتر از حد نرمال (حدوداً ۳۰ درصد) عنوان می‌دارد، تصمیم بر آن شد که تعداد ۶۰۰ پرسش‌نامه ارسال گردد. از بین این تعداد ارسال شده تعداد ۲۴۰ پرسش‌نامه سالم برای تجزیه و تحلیل مورد استفاده قرار گرفت.

روش گردآوری داده‌ها

برای تحقیق حاضر به نظرمی رسد پرسش‌نامه بهترین شیوه برای جمع‌آوری داده‌ها باشد، چرا که می‌توان از طریق آن تعداد زیادی از صنایع کوچک را تحت پوشش قرار داد و اهداف تحقیق را به راحتی برای آنان بازگو نمود، بدین منظور پرسش‌نامه طراحی شده از طریق پست، با توجه به این که آدرس تمامی صنایع در

دسترس بود، به صاحبان صنایع کوچک ارسال گردید. پرسش نامه مورد استفاده برگرفته از تحقیقات قبلی و تمامی سؤالات دارای مرجع مشخص و معتبر بوده و از تحقیقات قبلی استفاده گردیده است، البته برای آزمون روایی و پایایی آن، اقدامات لازم انجام شده که در ادامه توضیح داده خواهد شد. با توجه به این که پرسش نامه اصلی به زبان انگلیسی بوده، ابتدا توسط محققین به فارسی برگردانده شد، سپس از متخصصی که به هر دو زبان مسلط بود خواسته شد که آن را دوباره به زبان انگلیسی ترجمه و سپس مجدداً به زبان فارسی برگرداندند پس از مقایسه دو متن فارسی ترجمه شده، نسبت به نهایی کردن آن اقدام گردید. به زعم آلدلر (۱۹۸۳) این مراحل برای پرسش نامه های دو زبانه الزامی و مفید است.

تحلیل اکتشافی داده ها (EDA)

قبل از آغاز تجزیه و تحلیل داده ها اولین و مهم ترین قدم در تحلیل داده ها آزمایش آنهاست تا از هرگونه خطا و اشتباه عاری باشند. به همین منظور و در سطح اطمینان ۹۵٪ تحلیل اکتشافی داده ها به شرح ذیل انجام گردید.

الف) نرمال بودن داده ها: این تست برای استفاده از آزمون های پارامتریک از جمله رگرسیون و آنوا الزامی بوده و بایستی فرضیه زیر برای اثبات آن مورد توجه قرار گیرد.

Ho: نمونه ها دارای توزیع نرمال هستند.

اگر $P > 0.05$ باشد فرضیه رد نمی شود و مفهوم آن این است که داده ها از توزیع نرمال برخوردار هستند. بدین منظور نرمال بودن با انجام تست کولموگروف - اسمیرنوف (Kolmogrov-Smirnov) انجام شد که نتایج حاصله در جدول شماره ۱ نشان داده شده و مبین آن است که تمام متغیرها دارای توزیع نرمال هستند. البته در کنار این آزمون چولگی متغیرها نیز باید مورد بررسی قرار گیرد. همان طوری که در جدول مشاهده می گردد چولگی در خصوص متغیرها بین ± 1 می باشند که به زعم جئورگ و مالری (۲۰۰۳) نشان دهنده نرمال بودن داده هاست. علاوه بر این، نمودار مربوطه نیز برای آزمون فرض مذکور مورد استفاده قرار گرفت.

ب) برابری واریانس ها: فرضیه مورد نظر برای آزمون این فرض به صورت زیر است:

Ho: گروه ها و یا نمونه های جامعه دارای واریانس مساوی هستند.

اگر $P > 0.05$ باشد، پس Ho یا فرضیه صفر رد نمی شود و موید این مطلب است که واریانس ها برابر هستند. بدین منظور مراحل تحلیل آنوا (ANOVA) مورد بهره برداری قرار گرفت و مشخص گردید که واریانس ها دارای ارزش مساوی هستند. نتایج به دست آمده در جدول شماره ۲ نشان داده شده است.

ج) خطی بودن: نمودار پراکندگی رسم شده (Q-Q Plot) در فرایند رگرسیون نیز نشان دهنده خطی بودن رابطه بین متغیر وابسته و مستقل است.

بنابراین با توجه به این که هر سه فرض مهم در پروسه رگرسیون مورد تأیید قرار گرفته است، می‌توان از آزمون پارامتری رگرسیون خطی استاندارد استفاده کرد.

جدول (۱): آزمون کولموگروف - اسمیرنوف برای نرمال بودن داده‌ها

متغیرها	آماره‌ها	آلفا	چولگی
حمایت‌های دولتی	۱۰۸/۰	۰۰۰/۰	-/۱۰۱
موفقیت (رشد)	۰۶۰/۰	۱/۰	۱۷۰/۰
موفقیت (پایداری مؤسسه)	۱۲۴/۰	۰۰۰/۰	۴۲۸/۰

جدول (۲): آزمون برابری واریانس‌ها

متغیرها	آلفا
حمایت‌های دولتی	۰۶۷/۰
موفقیت (رشد)	۵۳۸/۰
موفقیت (پایداری مؤسسه)	۱۴۷/۰

روایی و پایایی ابزار تحقیق

به نظر سکاران (۲۰۰۳)، به هر صورت ممکن باید این مهم به اثبات برسد که ابزار اندازه‌گیری استفاده شده به درستی متغیرها را می‌سنجد. این امر از طریق سنجش پایایی و روایی ابزار تحقیق میسر خواهد شد ضمن این که مؤثر بودن ابزار را نیز نشان می‌دهد.

الف) پایایی: در بین روش‌هایی که برای سنجش میزان پایایی ابزار تحقیق مورد استفاده قرار می‌گیرد، آلفای کرانباخ روش مورد تأیید می‌باشد (Ary, Jacobs, Razavieh, & Sorensen, 2009). در این تحقیق، پایایی از طریق آلفای کرانباخ برای هر کدام از متغیرها محاسبه و مورد تأیید قرار گرفته و نتیجه در جدول شماره ۳ گزارش شده است.

ب) روایی: روایی ابزار تحقیق یکی از وظایف سخت و مهم محقق است. برای بررسی ابتدایی روایی یکی از روش‌های مورد نظر پیش آزمون می‌باشد. به زعم محققین پیش آزمون در اصل یک تست واقعی است قبل از انجام آزمون اصلی که در آن دقیقاً ساختار پرسش‌نامه اصلی به کار می‌رود. در تحقیق حاضر، فرایند پیش آزمون با استفاده از یک نمونه متشکل از ۱۰ نفر کارآفرین مورد بررسی قرار گرفت و دقت آن تأیید شد و پاره-

ای اشکالات مرتفع گردید. بعد از این فرایند کلیه سوالات پرسش نامه با حضور گروهی متخصص شامل دو نفر دانشیار گروه مدیریت، یک نفر آمارگر و یک نفر از اساتید دانشگاه و از صاحبان صنعت مورد بررسی قرار گرفت و نظرات آنها در پرسش نامه نهایی اعمال گردید. با این که تمامی سوالات از منابع معتبر استفاده شده بود و هم چنین مراحل پیش آزمون و نظر متخصصین اعمال گردیده بود، در عین حال محققین تصمیم گرفتند تا فرایند تحلیل عاملی را نیز به اجرا درآورند تا مطمئن شوند که تمامی سوالات مربوط به هر متغیر به درستی در گروه بندی مربوطه قرار گرفته و تعلق به آن گروه دارند. در این فرایند ابتدا آزمون (KMO) (Kaiser-Meyer-Olkin) که نشان دهنده دقت نمونه گیری بوده و در سطح آلفای ۰.۰۵ باید حداقل ۰.۶ باشد (Pallant, 2007; Tabachnick & Fidell, 2007) اجرا گردید. این آزمون برای تمامی آیتیم های مربوط به هر متغیر اجرا شد که نشانگر قابل قبول بودن آزمون می باشد. هم چنین، نتایج نشان می دهد که از بین ۱۳ آیتیم یک آیتیم دارای مقداری کمتر از ۰.۳ بوده و در تحلیل نهایی بایستی حذف گردد (آیتیم پنجم از سوالات مربوط به حمایت های دولت که نتایج کامل در پیوست قابل رؤیت می باشد). بنابر این بعد از طی تمامی مراحل قید شده، روایی ابزار اندازه گیری مورد تأیید قرار گرفت.

جدول (۳): آزمون پایایی برای متغیرها

متغیرها	آلفا کرانباخ	آلفا کرانباخ *
حمایت های دولتی	۷۷/۰	۷۹/۰
موفقیت	۸۸/۰	۸۸/۰

* آلفای کرانباخ بعد از تحلیل عاملی

شیوه تجزیه و تحلیل داده ها

برای تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS نسخه ۱۴ استفاده گردیده است. پس از کدگذاری، طبقه بندی و حذف داده های زاید، داده های واقعی وارد نرم افزار شده و برای تست فرضیه ها از رگرسیون خطی استاندارد و شیوه تحلیل آنوا استفاده گردیده است.

نتایج تحقیق

در ابتدا با توجه به محدودیت های موجود به طور خلاصه به اطلاعات توصیفی پرداخته شده و در ادامه به تحلیل نتایج حاصل از آزمون فرضیه ها اشاره می گردد.

آمارهای توصیفی

اطلاعات توصیفی مربوط به داده‌ها، که به صنایع کوچک و موارد مربوط به حمایت‌های دولت برمی‌گردد، به شرح ذیل ارائه می‌شود.

از نظر برخورداری از امکانات ارگان‌های محلی و دولتی، تنها ۹۱ نفر از کارآفرینان (۳۸/۹٪) بیان کردند کمک‌های سازمان‌های محلی و یا دولتی را دریافت نموده‌اند، در حالی که مابقی آنها (۶۱/۱٪) از این مورد بی‌بهره بوده‌اند. به لحاظ برخورداری از حمایت‌های دولتی ۱۴۳ نفر از آنان اظهار داشته‌اند که از حمایت دولت برخوردار بوده‌اند. از بین پاسخگویان تعداد ۱۴۲ (۶۵/۱٪) نفر عنوان کرده‌اند که به هنگام تأسیس واحد خود، دارای مشاور و راهنما بوده‌اند. در این رابطه بوگان و داریتی (۲۰۰۱) معتقدند داشتن مشاور به هنگام تأسیس شرکت در کنار حمایت‌های دولتی نقش معنی‌داری در موفقیت کارآفرینان دارند.

داده‌های به‌دست آمده نشان می‌دهد ۲۲ نفر از کارآفرینان از وزارت صنایع و معادن کمک دریافت نموده‌اند، در حالی که ۶۲ نفر از آنان اظهار داشته‌اند که از بانک‌ها کمک دریافت کرده‌اند، و ۲۲ نفر بقیه نیز کمک دریافتی را از وزارت کار و امور اجتماعی عنوان نموده‌اند. از نظر نوع کمک دریافتی تنها ۱۱ نفر (۴/۶٪) از آنها بیان نموده‌اند که امکانات زیر ساختی دریافت نموده‌اند، در مقابل ۴۸ نفر (۲۰٪) کمک‌های مالی و اعتباری دریافت کرده‌بودند.

میان‌ه مربوط به متغیر حمایت‌های دولتی برابر با عدد ۳/۵ با انحراف معیار ۰/۷۳ است و کم‌ترین عدد در این رابطه ۱/۷۵ و بیش‌ترین نمره ۵ می‌باشد با دامنه تغییر ۳/۲۵. میانگین ۳/۴۳ که مربوط به این متغیر می‌باشد نشان‌دهنده این مطلب است که در مجموع پاسخ‌گویان به این متغیر نمره نسبتاً خوبی اختصاص داده‌اند. پاسخ‌های به‌دست آمده نشان می‌دهد کارآفرینان در غرب ایران به طور میانگین کم‌ترین نمره (۲/۸۱) را به این متغیر اختصاص داده‌اند در مقابل کارآفرینان در جنوب ایران به‌طور میانگین بالاترین مقدار را برای آن نشان داده‌اند (۳/۷۵)، در این میان صرفاً کارآفرینان جنوب، شمال غرب و شرق ایران نسبت به این متغیر عددی بالاتر از میانگین نشان داده‌اند.

همان‌طوری که قبلاً نیز عنوان گردید هدف اصلی از انجام این تحقیق، بررسی نقش حمایت‌های دولت از کارآفرینان در صنایع کوچک ایران بود که برای رسیدن به این اهداف، فرضیه‌های ذیل تدوین گردیدند که نتایج حاصل از آزمون این فرضیه‌ها در بخش بعدی ارائه می‌گردد.

فرضیه شماره ۱: رابطه مثبت و معنی‌داری بین حمایت‌های دولتی و موفقیت کارآفرینان از نظر رشد مؤسسه در صنایع کوچک ایران وجود دارد.

فرضیه شماره ۲: رابطه مثبت و معنی داری بین حمایت‌های دولتی و موفقیت کارآفرینان از نظر پایداری مؤسسه در صنایع کوچک ایران وجود دارد.

نتایج به دست آمده برای فرضیه شماره یک: برای پیش بینی موفقیت کارآفرینان به لحاظ رشد و برای سنجش این فرضیه رگرسیون استاندارد به کار گرفته شد. متغیر مستقل در این فرضیه حمایت‌های دولتی بوده و معادله رگرسیون آن به صورت ذیل است:

$$GR = b_0 + b_1 (GI)$$

موفقیت

که در آن:

GR: کارآفرینان (رشد)

b_0 : مقدار ثابت

b_1 : ضریب رگرسیون

GI: حمایت‌های دولتی

ϵ : ضریب خطا

جدول زیر نتایج حاصله را نشان می‌دهد.

جدول (۴): ضرایب رگرسیون

Model		Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients		Collinearity Statistics		
		B	Std. Error	Beta	t	Sig.	Tolerance	VIF
1	مقدار ثابت	۹۰۱/۰	۲۸۴/۰		۱۷۴/۳	۰۰۲/۰		
	حمایت‌های دولتی	۶۲۰/۰	۰۸۲/۰	۰۵۴/۰	۵۳۰/۷	۰۰۰/۰	۰۰۰/۱	۰۰۰/۱

Dependent Variable: GR Growth

جدول بالا نشان می‌دهد حمایت‌های دولتی در این مدل و به منظور پیش بینی موفقیت کارآفرینان از نظر رشد مؤسسه معنی دار می‌باشد و مدل تخمین زده شده نیز به صورت زیر ارایه شده است.

$$(GI) + ۰۶۲۰/۰ + ۰۹۰۱/۰ GR =$$

مشاهده می‌گردد که ضریب بتا برای حمایت‌های دولتی ۰/۵۰۴ می‌باشد که نشان می‌دهد این متغیر دارای مشارکت بالایی در تبیین موفقیت کارآفرینان از لحاظ رشد می‌باشد و این که اگر یک واحد در حمایت‌های صورت گرفته از کارآفرینان تغییری رخ دهد به تبع آن ۰/۶۲۰ در موفقیت آنان از نظر رشد تغییر رخ خواهد داد.

جدول (۵): خلاصه اطلاعات مدل رگرسیون

Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate	Change Statistics				
					R Square Change	F Change	df1	df2	Sig. F Change
1	۰.۴۰	۰.۲۵۴	۰.۲۳۹	۰.۷۸۷۷۷	۰.۲۵۴	۰.۷۷۸/۵۶	۱	۱۶۷	.../۰

a Predictors: (Constant), GI Governmental Issues

با توجه به اطلاعات ارائه شده در جدول شماره ۵ ضمن این که معنی دار بودن مدل مورد تأیید است، ولی مقدار R^2 نشان می‌دهد که این مدل، مدلی خوبی برای بیان رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته می‌باشد. از سوی دیگر جدول آنوا به دست آمده نشان می‌دهد مقدار F بزرگ و معنی دار است؛ بنابراین، رابطه خطی بین حمایت‌های دولتی و موفقیت کارآفرینان به لحاظ رشد وجود دارد.

نتایج به دست آمده برای فرضیه شماره دو: برای پیش بینی موفقیت کارآفرینان از نظر پایداری مؤسسه و برای سنجش این فرضیه رگرسیون استاندارد به کار گرفته شد. متغیر مستقل در این فرضیه حمایت‌های دولت بوده و معادله رگرسیون آن به صورت ذیل می‌باشد:

$$SU = b_0 + b_1 (GI)$$

موفقیت کارآفرینان

که در آن:

SU: (پایداری مؤسسه)

b_0 : مقدار ثابت

b_1 : ضریب رگرسیون

GI: حمایت‌های دولت

ϵ : ضریب خطا

جدول زیر نتایج حاصله را نشان می‌دهد:

جدول (۶): ضرایب رگرسیون

Model		Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients		Collinearity Statistics		
		B	Std. Error	Beta	t	Sig.	Tolerance	VIF
1	مقدار ثابت	-۰.۲۵۳	۰.۲۶۵		-۰.۹۹۵	۰.۴۷/۰		
	حمایت‌های دولتی	۰.۷۱۱	۰.۳۶۱	۰.۴۶۹	۰.۶۲۰	۰.۰۰/۰	۰.۰۰/۱	۰.۰۰/۱

Dependent Variable: SU Survival

جدول بالا نشان می دهد حمایت‌های دولتی در این مدل و به منظور پیش بینی موفقیت کارآفرینان از لحاظ پایداری مؤسسه معنی دار می باشد و مدل تخمین زده شده نیز به صورت زیر ارایه شده است:

$$(GI) + 42/771 + -2/523SU =$$

مشاهده می گردد که ضریب بتا برای حمایت‌های دولتی ۰/۴۶۹ است که نشان می‌دهد این متغیر دارای مشارکت خوبی در تبیین موفقیت کارآفرینان می باشد و این که اگر در یک واحد از حمایت‌های صورت گرفته از کارآفرینان تغییری رخ دهد به تبع آن ۲/۷۷۱ در موفقیت آنان از لحاظ پایداری مؤسسه تغییر رخ خواهد داد.

جدول (۷): خلاصه اطلاعات مدل رگرسیون

Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate	Change Statistics				
					R Square Change	F Change	df1	df2	Sig. F Change
1	۴۶۹/۰	۲۲۰/۰	۲۱۶/۰	۶۷۹۳۲/۳	۲۲۰/۰	۸۲۹/۵۸	۱	۲۰۹	.../۰

a Predictors: (Constant), GI Governmental Issues

با توجه به اطلاعات ارایه شده در جدول شماره ۷ ضمن این که معنی دار بودن مدل مورد تأیید است، ولی مقدار R^2 نشان می دهد این مدل، مدلی خوبی برای بیان رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته می باشد. از سوی دیگر جدول آنوآ بدست آمده نشان می دهد مقدار F بزرگ و معنی دار است؛ بنابراین، رابطه خطی بین حمایت‌های دولتی و موفقیت کارآفرینان از نظر پایداری مؤسسه وجود دارد.

بحث، نتیجه گیری و پیشنهادها

این تحقیق معنی دار بودن حمایت‌های دولتی از کارآفرینان را به وضوح نشان داد. مقدار R^2 ۰/۲۵۴ با مقدار p -value مساوی ۰/۰۰۰ برای موفقیت کارآفرینان بر اساس رشد و مقدار R^2 ۰/۲۲۰ با مقدار p -value مساوی ۰/۰۰۰ برای پایداری مؤسسه نشان می دهد حمایت‌های دولتی به طور معنی داری می توانند موفقیت کارآفرینان را در دو حالت پیش بینی نمایند. در نظر گرفتن عوامل محیطی در این تحقیق همسو با سایر تحقیقات بود و معنی دار بودن آنها را در پیش بینی موفقیت کارآفرینان نشان می دهد (Gasse, 1982; VanderWerf & Brush, 1989). یافته‌های این تحقیق نظر این محققین را تأیید نموده و نشان داد نقش حمایت‌های دولتی در موفقیت کارآفرینان تا چه اندازه مؤثر خواهد بود. بنزینگ و همکاران (۲۰۰۹) معتقدند عوامل محیطی که به نوعی به موفقیت کارآفرینان بر می گردد، تا حدود زیادی به حمایت‌های دولتی

برمی‌گردد، در حالی که یافته‌های این تحقیق همسو یا یافته‌های لیم (۲۰۰۷) نمی‌باشد که معتقد بود رابطه‌ای بین حمایت‌های دولتی و موفقیت شرکت‌های کوچک وجود ندارد. همان‌طور که قبلاً عنوان گردید بر اساس مطالعات زالی و رضوی (۲۰۰۹) ۶۰٪ از کارآفرینان منتخب معتقد بودند فعالیت‌های دولت نه تنها حمایت‌گر نبوده، بلکه در برخی موارد مانع از فعالیت آنهاست.

مطالعه حاضر با بررسی مهم‌ترین عامل تأثیر گذار بر موفقیت کارآفرینان و با استناد به تحقیقات صورت گرفته در ۳۰ سال گذشته تلاش نمود نقشی هر چند اندک در افزودن به دانش موجود در عرصه کارآفرینی ایفا نماید. نتایج به دست آمده از این تحقیق می‌تواند کاربرد قابل توجهی در مدیریت اثر بخش صنایع کوچک داشته باشد. سازمان صنایع کوچک می‌تواند از طریق روش‌ها و ابزارهای مناسب به کارآفرینان فعلی و آینده کمک نمایند تا به خلق ارزش و ایجاد شغل بپردازند. نتایج این تحقیق برای سازمان‌ها و نهاد‌های دولتی کاربرد قابل توجهی دارد و رهنمودهایی در طراحی و اجرای برنامه‌های حمایت از صنایع کوچک در تمامی مراحل - اعم از زمان تأسیس و بعد از آن - ارائه می‌کند. معنی دار بودن حمایت‌های دولت از هر دو بعد رشد مؤسسه و هم چنین پایداری آن ضمن تأیید این مهم، اهمیت بحث را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج به دست آمده از تحقیق ایجاد سیاست‌های ثابت، نظارت کافی، ایجاد دوره‌های آموزشی مورد نیاز آنان مخصوصاً در خصوص کارکردهای سازمانی آنان و به ویژه آموزش‌های بازاریابی که بسیار مورد تأکید می‌باشد، می‌تواند از جمله وظایف دولت در راستای سیاست‌های حمایتی باشد. مشکل صادرات که از جمله مسایل مبتلا به کارآفرینان می‌باشد، یکی از مواردی است که می‌تواند مورد توجه سازمان‌های متبوع برای حمایت از آنان تلقی شود. این تحقیق در مسیر انجام خود با محدودیت‌هایی نیز مواجه بود؛ از جمله این که در بررسی میزان موفقیت واحدهای کوچک مجبور بود که به اظهارات شخصی صاحبان صنایع اکتفا نموده و از دسترسی به آمار و اطلاعات واقعی در خصوص فروش و سود محروم بود. نکته قابل ذکر دیگر این که با وجود حمایت سازمان صنایع کوچک از تحقیق حاضر و هماهنگی‌های صورت گرفته باز هم شاهد برگشت تعداد نسبتاً کمی از پرسش‌نامه‌ها بودیم. این تحقیق می‌تواند در فضایی وسیع‌تر و با نمونه‌گیری بیشتری در سایر استان‌ها نیز به انجام برسد. هم چنین می‌توان این مطالعه را برای تمامی صنایع کوچک حتی آنهایی که در شهرک‌های صنعتی نیز مستقر هستند اجرا نمود.

References

Ahiarah, S. (1993). Black American's business ownership factors: a theoretical perspective. *The Review of Black Political Economy*, 22(2), 15-39.

Alder, N. J. (1983). A typology of management studies involving culture. *Journal of International Business Studies*, 14(2), 29-47.

Aldrich, H. E., & Martinez, M. A. (2001). Many are called, but few are chosen: An evolutionary perspective for the study of entrepreneurship. *Entrepreneurship: Theory & Practice*, 25(4), 41-57.

Arabi, S. M. (2003). Determination of entrepreneurs success factors in Iran's market. retrieved on 25 Aug, 2008, from www.karafarini.gov.ir. (in Persian)

Ary, D.; Jacobs, L. C.; Razavieh, A., & Sorensen, C. (2009). *Introduction to research in education* (8th ed.). USA: thomson higher education.

Baldwin, J., & Picot, G. (1995). Employment generation by small producers in the canadian manufacturing sector. *Small Business Economics*, 7(4), 317-331.

Baron, R. A. (2004). Psychological perspectives on entrepreneurship: cognitive and social factors in entrepreneurs' success. *Current Directions in Psychological Science*, 9(1), 15-18.

Begley, T. M., & Boyd, D. P. (1987). Psychological characteristics associated with performance in entrepreneurial firms and smaller businesses. *Journal of Business Venturing*, 2(1), 79-93.

Benzing, C.; Chu, H. M., & Kara, O. (2009). Entrepreneurs in Turkey: a factor analysis of motivations, success factors, and problems. *Journal of Small Business Management*, 47(1), 58-91.

Birch, D. L. (1987). *Job creation in America*. New York, NY: free press.

Bogan, V., & Darity, W. (2001). African american self employment in the U.S.: a historical review of over a century of black entrepreneurship. retrieved on september, 1, 2006, from http://www.econ.brown.edu/students/vicki_bogan/pain.pdf

Box, T.; Watts, L., & Hisrich, R. (1994). Manufacturing entrepreneurs: an empirical study of the correlates of employment growth in the tulsa MSA and rural east Texas. *Journal of Business Venturing*, 9(3), 261-270.

Brockhaus, R. (1980). *Psychological and environmental factors, which distinguish the successful from the unsuccessful entrepreneur: a longitudinal study*. Paper presented at the academy of management proceedings of the 40th annual meeting.

Brockhaus, R., & Horwitz, P. S. (1985). The psychology of the entrepreneur. in D. L. Sexton & R. W. Smilor (Eds.), *The art and science of entrepreneurship*. cambridge, MA: ballinger.

Carree, M. A., & Thurik, A. R. (1998). Small firms and economic growth in Europe. *Atlantic Economic Journal*, 26(2), 137.

Chandler, G. N., & Hanks, S. H. (1994). Founder competence, the environment, and venture performance. *Entrepreneurship: theory & practice*, 18(3), 77-89.

Collins, C. J.; Hanks, P. J., & Locke, E. A. (2004). The relationship of achievement motivation to entrepreneurial behavior: a meta- analysis. *Human Performance*, 17(1), 95-117.

- Covin, J. G., & Covin, T. J. (1990). Competitive aggressiveness, environmental context, and small firm performance. *Entrepreneurship: Theory & Practice*, 14(4), 35-50.
- Cunningham, J. B., & Lischeron, J. (1991). Defining entrepreneurship. *Journal of Small Business Management*, 29(1), 45-61.
- Davidsson, P. (1989). Entrepreneurship- and after? a study of growth willingness in small firm. *Journal of Business venturing*, 4(3), 211-226.
- Dehdashti, Z., & Naderifar, B. (2007). The characteristics of successful small industries: plastic small industries. *Marketing*, 61, 14-23. (in Persian)
- Devine, P. (2002). The institutional context of entrepreneurial activity. in F. adaman & P. Devine (Eds.), *Economy and society: Money, capitalism and transition*. montreal: black rose books.
- Duchesneau, D. A., & Gartner, W. B. (1990). A profile of new venture success and failure in an emerging industry. *Journal of Business Venturing*, 5(5), 297-312.
- Edwards, C. C. (2008). *Assessing entrepreneurship and African American women: factors of success*. Unpublished PhD, north central university, United States, arizona.
- Ekeh, I. E. (2000). *Factors and attributes contributing to the success of African American entrepreneurs in the San Francisco bay area of the United States of America*. Unpublished D. B. A., golden gate university, United States, California.
- Erofeev, D. A. (2002). *Personal, organizational, and environmental factors as predictors of entrepreneurial success within a franchising company in the personnel service industry*. Unpublished PhD, central Michigan university, United States, Michigan.
- Faraji, H. (2009). *Statistic book for Iran's industries (No. 32)*. Tehran: ministry of industries & mines. (in Persian)
- Fayolle, A. (2007). *Entrepreneurship and new value creation: the dynamic of the entrepreneurial process*. cambridge: cambridge university press.
- Fiet, J. O. (2001). The theoretical side of teaching entrepreneurship. *Journal of Business Venturing*, 16(1), 1-24.
- Fried, H. O., & Tauer, L. W. (2009). Understanding the entrepreneur: an index of entrepreneurial success. retrieved on june, 2010, from www.aem.cornell.edu/research/researchpdf/wp/cornell_AEM_wp0932.pdf
- Gasse, Y. (1982). Commentary elaboration: elaborations on the psychology of the entrepreneur. In C. A. Kent, D. L. Sexton & K. H. Vesper (Eds.), *Encyclopedia of entrepreneurship* (pp. 58-71). Englewood cliffs, NJ: prentice-hall.
- George, D., & Mallery, P. (2003). *SPSS for windows step by step: a simple guide and reference, 11.0 update* (3rd ed.). USA: Allyn & Bacon.
- Gravely, M. J., II. (1999). *Understanding entrepreneurial success: a study of African-American small business owners*. Unpublished PhD, the union institute, united states, ohio.

Hair, J. F.; Black, W. C.; Babin, B. J.; Anderson, R. E., & Tatham, R. L. (2006). *Multivariate data analysis* (6th ed.). New Jersey: pearson education, Inc.

Hefdahtan, S. H. (2010). Pathology of entrepreneurship in Iran. retrieved on April, 2010, from www.karafarini.ir. (in Persian)

Henderson, J. (2002). Building the rural economy with high-growth entrepreneurs. *Federal Reserve Bank of Kansas City Economic Review*, 87(3), 45-70.

Hian, C. K. (1996). Testing hypotheses of entrepreneurial characteristics: a study of Hong Kong MBA students. *Journal of Managerial Psychology*, 11(3), 12-25.

Hisrich, R. H., & Peters, M. O. (1992). *Entrepreneurship: starting, developing, and managing a new enterprise*. Boston, MA: Irwin.

Howell, J. M., & Avolio, B. J. (1993). Transformational leadership, transactional leadership, locus of control, and support for innovation: key predictors of consolidated-business-unit performance. *Journal of Applied Psychology*, 78(6), 891-902.

Ibrahim, A. B. (1986). Perceived causes of success in small business *American Journal of Small Business*, 11(2), 41-50.

Jenssen, J. I., & Koenig, H. F. (2002). The effect of social networks on resource access and business start-ups. *European Planning Studies*, 10(8), 1037-1039.

Kreft, S. F., & Sobel, R. S. (2005). Public policy, entrepreneurship, and economic freedom. *Cato Journal*, 25(3), 595-616.

Krejcie, R. V., & Morgan, D. W. (1970). Determining sample size for research activities. *Educational and Psychological Measurement*, 30(3), 607-610.

Lim, L. Y. (2007). *Factors influencing growth of entrepreneurial ventures in Malaysia*. unpublished PhD, university Puta Malaysia, Serdang.

Lumpkin, G. T., & Dess, G. G. (1996). Clarifying the entrepreneurial orientation construct and linking it to performance. *Academy of Management Review*, 21(1), 135-172.

Mansor, N., & Mat, A. C. (2010). The significance of psychology and environment dimensions for malaysian muslim women entrepreneurs venturing. *International Journal of Human Sciences*, 7(1), 253-269.

Mollahosseini, A., & Mostafavi, S. (2009). Investigation on factors influencing entrepreneurs' success in industrial area (Case study on Kerman's industry). *Sanat va Karafarini*, 38(3), 64-69. (in Persian)

Nichols, C. R., Jr. (1995). *Factors affecting the success or failure of African-American new business ventures in the St. Louis, Missouri metropolitan area*. unpublished Ph.D., the union institute, united states, Ohio.

Nucci, A. R. (1993). *The demography of business failure*: U.S. Department of commerce, bureau of the census, centre of economic.

Pallant, J. (2007). *SPSS survival manual: a step by step guide to data analysis, using SPSS for windows (version 15)* (3rd ed.). crows nest: Allen & Unwin.

Poh, K. W.; Yuen, P. H., & Erkkö, A. (2005). Entrepreneurship, innovation, and economic growth: evidence from GEM data. *Small Business Economics*, 24(3), 335-350.

Rauch, A., & Frese, M. (2000). Psychological approaches to entrepreneurial success: a general model and an overview of findings. In C. L. Cooper & I. T. Robertson (Eds.), *International review of industrial and organizational psychology* (Vol. 13, pp. 101-141). Chichester, UK: Wiley.

Reid, G. C. (1991). Staying in business. *International Journal of Industrial Organization*, 9(4), 545-558.

Reynolds, P. D.; Hay, M., & Camp, S. M. (1999). *Global entrepreneurship monitor: 1999 Executive report*. Kansas city: ewing marion kauffman foundation.

Robinson, P. B.; Stimpson, D. V.; Huefner, J. C., & Hunt, H. K. (1991). An attitude approach to the prediction of entrepreneurship. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 15(4), 13-31.

Sekaran, U. (2003). *Research methods for business: a skill building approach* (4th ed.). USA: John Wiley & Sons, Inc.

Sirinivasan, R.; Woo, C. Y., & Cooper, A. A. (1994). *Performance determinants for male and female entrepreneurs*. Paper presented at the babson entrepreneurship research, Cambridge. MA: Babson College.

Smith, N. R.; Bracker, J. S., & Miner, J. B. (1987). Correlates of firm and entrepreneur success in technologically innovative companies. In N. C. Churchill, B. A. Kirchoff, O. J. Krasner, & K. vesper (Eds.), *Frontiers of entrepreneurship research*. Wellesley, MA: Babson College.

Smith, N. R., & Miner, J. B. (1984). Motivational considerations in the success of technologically innovative entrepreneurs. In J. A. Hornaday, E. Tarpley, J. A. Timmons & K. H. Vesper (Eds.), *Frontiers of entrepreneurship research* (pp. 488-495). Welles, MA: Babson center for entrepreneurial studies.

Tabachnick, B. G., & Fidell, L. S. (2007). *Using multivariate statistics* (5th ed.): pearson education, Inc.

VanderWerf, P. A., & Brush, C. G. (1989). Achieving empirical progress in an undefined field. *Entrepreneurship: Theory and Practice*, 14(2), 45-58.

Zahedi, S. (2004). Systematic analysis from alternatives that affect entrepreneurship phenomenon. retrieved on 10 Aug., 2008, from www.karafarini.gov.ir. (in Persian)

Zahra, S. A. (2007). Contextualizing theory building in entrepreneurship research. *Journal of Business Venturing*, 22(3), 443-452.

Zali, M. R. (2009). *Profile of entrepreneurship monitor (GEM)* (Vol. 1). Tehran: faculty of entrepreneurship, Tehran university. (in Persian)

Zali, M. R., & Razavi, S. M. (2009). *Barriers of entrepreneurship development in Iran*. Tehran: faculty of entrepreneurship. (in Persian)

تحلیل عاملی برای متغیر حمایت‌های دولتی

KMO and Bartlett's Test

Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.		.642
Bartlett's Test of Sphericity	Approx. Chi-Square	367.715
	df	10
	Sig.	.000

Communalities

	Initial	Extraction
G11 Tax level has been serious barriers to set up my firm	1.000	.439
G12 Subsidy policy (e.g. disadvantaged through subsidies for competitors)	1.000	.706
G13 Government grants and loans are important in my work	1.000	.574
G14 With taxation regulations (unsupportive, too complex, or arbitrary)	1.000	.655
G15 National trade policy is a barrier in my work	1.000	.294

Extraction Method: Principal Component Analysis

Total Variance Explained

Component	Initial Eigenvalues			Extraction Sums of Squared Loadings		
	Total	% of Variance	Cumulative %	Total	% of Variance	Cumulative %
1	2.667	53.345	53.345	2.667	53.345	53.345
2	1.015	20.296	73.641			
3	.764	15.273	88.914			
4	.308	6.151	95.066			
5	.247	4.934	100.000			

Extraction Method: Principal Component Analysis

Component Matrix(a)

	Component
	1
G12 Subsidy policy (e.g. disadvantaged through subsidies for competitors)	.840
G14 With taxation regulations (unsupportive, too complex, or arbitrary)	.809
G13 Government grants and loans are important in my work	.757

G11 Tax level has been serious barriers to set up my firm	.663
G15 National trade policy is a barrier in my work	.542

Extraction Method: Principal Component Analysis
a : 1 components extracted

تحلیل عاملی (بعد از حذف آیتم پنجم)

KMO and Bartlett's Test

Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.		.656
Bartlett's Test of Sphericity	Approx. Chi-Square	297.142
	Df	6
	Sig.	.000

Communalities

	Initial	Extraction
G11 Tax level has been serious barriers to set up my firm	1.000	.485
G12 Subsidy policy (e.g. disadvantaged through subsidies for competitors)	1.000	.781
G13 Government grants and loans are important in my work	1.000	.626
G14 With taxation regulations (unsupportive, too complex, or arbitrary)	1.000	.575

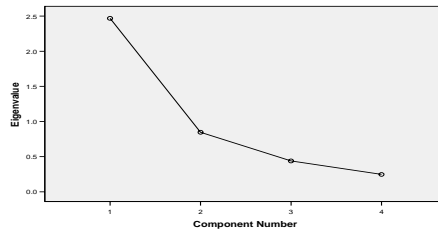
Extraction Method: Principal Component Analysis.

Total Variance Explained

Component	Initial Eigenvalues			Extraction Sums of Squared Loadings		
	Total	% of Variance	Cumulative %	Total	% of Variance	Cumulative %
1	2.468	61.700	61.700	2.468	61.700	61.700
2	.847	21.173	82.873			
3	.438	10.959	93.832			
4	.247	6.168	100.000			

Extraction Method: Principal Component Analysis.

Scree Plot



Component Matrix(a)

	Component
	1
GI2 Subsidy policy (e.g. disadvantaged through subsidies for competitors)	.884
GI3 Government grants and loans are important in my work	.791
GI4 With taxation regulations (unsupportive, too complex, or arbitrary)	.758
GI1 Tax level has been serious barriers to set up my firm	.697

Extraction Method: Principal Component Analysis.

a. 1 components extracted.